

حضرت مہدی

در آئینہ احادیث و روایات

بہ روایت اہل سنت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء :

به روح پاک پدرم که به

من درس عشق و ایثار

آموخت .

حضرت مهدي در آئینه احادیث و روایات

تدوین کننده :
عبدالرحمن حنفی

حضرت مهدی رضی اللہ عنہ / از عبدالرحمن حنفی، مشہد

سیاہ، ۱۳۸۳.

۵۲ ص.

(ISBN: 964-8580-030-0)

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

۱. مہدویت - احادیث اہل سنت. ۲- محمد بن حسن (عج)، امام دوازدہم، ۲۵۵ ق

احادیث - الف - حنفی عبدالرحمن. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

۹ ظ ۲۳ / ۴ / ۲۴۲ BP

۷۹-۲۰۸۶۷ م

کتابخانہ ملی ایران.

حضرت مهدی (رضی اللہ عنہ)

نویسنده

عبدالرحمن حنفی

پستی. ۵۶ صفحہ، ۵۰۰۰ نسخہ، جاب اول. پاییز ۱۳۸۳

ناشر: سیاہ

جاب: چاپخانہ دقت

بہا: ۲۵۰۰ ریال

(ISBN: 964-8580-030-0)

شابک ۹۶۴-۸۵۸۰-۰۳-۰

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر می باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۶	حضرت مهدی را بهتر بشناسیم
۱۰	حضرت مهدی در پرتوی احادیث
۱۳	بخشی از رساله توفیق
۱۹	عیسی مهدی نیست
۲۴	مقام حضرت مهدی
۲۶	احوال قیامت و علامات آن
۴۰	قیام حضرت مهدی
۴۲	حالات دنیا در زمان حضرت مهدی
۴۳	جنگ حضرت مهدی با کفار و خروج دجال
۵۲	وفات حضرت مهدی

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله

سپاس بیکران و ستایش بی حد خدای یکتا را و درود بی پایان بر پیامبر گرامی خدا و اصحاب و یارانش که جامعه اسلامی را به وسیله فرهنگ و معارف اسلام تعالی بخشیدند.

بسیاری از معارف اسلامی وجود دارد که مردم ما بخصوص نسل جوان از آنها آگاهی ندارند و برخی دیگر در هاله ای از ابهام قرار گرفته اند یکی از این مسائل، مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. اما مهمترین عاملی که باعث شد تا در چنین راهی گام بگذارم، همانا نیاز مبرم جامعه و خدمت به هموطنان و پاداش اخروی به این عمل بود، بنابراین بنده با اتکای به خدا و استمداد از بارگاه او با وجود عدم آشنایی از پیچ و خم این کوچه پر خطر، با بضاعت علمی بسیار اندک و ناچیز به جمع کاروان این کوی پیوستم و سفر طاقت فرسا و طولانی خود را آغاز نمودم.

لازم بذکر است از آنجائیکه در این موضوع در کتابهای معتبر تاریخی و فقهی تنها اشاره های جزئی شده ، منرا بر این داشت تا تنها گردآوری سخنان و نوشتار بزرگان علم و ادب کنم و مجال تحقیق در این مورد میسر نشد .

امیدوارم که خوانندگان عزیز با اشتباهات که برخورد می کنند به دیده اغماض بنگرند و به مصداق (الدین النصیحه) مؤلف را مطلع سازند .

از خداوند می خواهم که این اثر ناچیز را بپذیرد و ذریعه کفاره گناهان گرداند ، در پایان از همه عزیزان که در این امر خالصانه مرا یاری نمودند کمال تشکر را دارم . امیدوارم که صاحبدلی بر افلاس باطنی مؤلف ترحم نموده او را در دعای سحری خویش یادی کند .

مکر صامبدلی (وزی زهمت

کند در کار درویشان دعائی

عبدالرحمن حنفی ۸۲/۱۱/۵ هـ . ش

۷۸۶

حضرت مهدی را بهتر بشناسیم

مهدی در لغت به شخص هدایت یافته اطلاق می شود ، بدین جهت می توان هر شخص هدایت یافته را مهدی نامید . لیکن مراد از آن مهدی که ذکرش در احادیث آمده است ، فرد خاصی است که در آخر زمان قبل از نزول حضرت عیسی علیه السلام قیام می کند ، نکته اصلی اینست که صراحتاً آیه ای از قرآن که به قیام حضرت مهدی اشاره کند وجود ندارد . بلکه احادیث زیادی قیام چنین شخصی را مورد تأیید قرار می دهد . پیامبر گرامی اسلام در مورد نشانیها و نسبش به وضوح سخن گفته است .

عن ابن مسعود رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ لا تذهب الدنيا حتى يبعث الله تعالى رجلا من اهل بيتي يواطئ اسمه

و اسم ابیه اسم آبی فی ملا الارض عدلا و بسط لکما ظلما

وجورا^۱

دنیا به پایان نمی رسد تا زمانیکه خداوند از اهل بیت من یک نفر را مبعوث نفرمایند، نام آن فرد با نام من و نام پدرش با نام پدر من یکی خواهد بود، وی می آید و زمین را که مملو از ظلم و ستم است، از عدل و داد پر کند.

یکی از دلائلی که اهل سنت معتقد به متولد نشدن حضرت مهدی علیه السلام هستند حدیث فوق می باشد، که در حدیث فوق پیامبر صراحتاً فرموده: که اسمش اسم من و اسم پدرش اسم پدرم است در حالی که اهل تشیع می گویند متولد شده و حال بعد از غیبت صغری در غیبت کبری بسر می برد، و می گویند که فرزند حضرت حسن عسکری علیه السلام است که اسم پدرش و مادرش با شخصی که در حدیث ذکر گردید، تفاوت دارد.

^۱ - ظهور مهدی از مولانا محمد ادریس کاندهلوی مترجم ابراهیم ارباب

نکته ی دیگری که باید توجه داشت ، اینست که از حضرت حسن عسکری در نزد ما فرزندی متولد نشده که حتی ادعای فوق را ثابت کند ما اهل سنت معتقد به نداشتن فرزند برای حضرت حسن عسکری هستیم .

ثانیا : دلیل دوّم اینست که از پیامبر حدیث دیگری منقول است که آنحضرت فرمودند : مهدی علیه السلام بعد از چهل سال که از تولدش می گذرد ، وقتی در عالم کثرت فتن و فساد باشد و خروج دجال نزدیک گردد ، برای جلوگیری از آنها ظهور می کند .^۲ وجود قیام حضرت مهدی در نزد اکثر علماء اهل سنت حتمی است چنانچه که از پیامبر منقول است ، که آنحضرت

^۲ — فتاوی منبع العلوم کو هون مولانا محمد عمر سربازی ج ۱ ص ۲۲۰ و آخر

(ك) ایضاً عن ارطاط قال یبقی المهدی اربعین عاماً و اخرج ایضاً عن بقیة ابن ولید

قال حیة المهدی ثلاثون سنة و اخرج ایضاً عن ان محمد بن حمیر عن ابیه قال

یملك المهدی سبع سنین و شهرین و ایاماً و اخرج ایضاً عن دینار ابن دینار

بقاء المهدی اربعون سنة . الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۲۳۸ - ۲۳۹

فرمودند: عن ام سلمة رضی قالت سمعت رسول الله ﷺ
المهدی من ولد فاطمه^۳.

از حضرت ام سلمه رضی روایت شده است که حضرت رسول
اکرم ﷺ فرمودند: حضرت مهدی موعود از عترت من و از
اولاد فاطمه رضی می باشد. روایات آنقدر زیاد است که به
درجه تواتر رسیده است^۴. این خود دلیل واضحی است بر
اینکه مهدی غیر از حضرت عیسی است،

اما نشانیهای ظاهری آنحضرت که در احادیث ذکر گردیده
بشرح زیر است.

از حضرت خدیجه (رضی الله عنها) روایت است که رسول
الله فرمودند: که حضرت مهدی ﷺ مردی از فرزندان من
است، رنگ عربی و جسم اسرائیلی دارد. بر گونه‌ی راستش
خالی است گویا که آن چون ستاره درخشان است و زمین را

^۳ ابوداود ج ۲ ص ۲۴۰، ابن ماجه ص ۳۰۰

^۴ شرح عقیده سفاریه ج ۲ ص ۶۹

که مملو از ظلم و ستم است از عدل و داد پر می کند و در ایام خلافتش اهل زمین و اهل آسمان و پرنده در هوا راضی و خوشنود می شوند.^۱

حضرت مهدی در پرتوی احادیث

احادیثی که از پیامبر خدا نقل گردیده پیرامون این مسئله زیاد است، تا جائیکه به درجه تواتر رسیده است، اما در صحیحین (بخاری و مسلم) در این مورد حدیثی روایت نشده، اما در دیگر کتب احادیث (صحاح سته غیر از بخاری و مسلم) بکثرت یافت می شود. بهمین خاطر اقلیتی از علماء اهل سنت معتقد به نیامدن مهدی می باشند و می فرمایند مهدی همان حضرت عیسی است اما اکثریت علماء معتقد به متولد شدن

^۱ اخرج الرویانی فی مسنده و ابن نعیم عن حذیفه قال قال رسول الله قرا المهدی رجل من ولدی لون عربی و جسمه اسرائیلی علی خده الايمن خال كأنه کوكب دری یملا الارض عدلا کما ملئت جورا یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطیر فی الجو، عصر ظهور، ص ۲۴.

حضرت مهدی در آخر زمان می باشند آنها برای صحت ادعای خویش احادیث زیادی دارند که نمونه هایی ذکر می گردد.

۱- عن عبد الله رضی الله عنه قال قال رسول الله لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي^۱

از حضرت عبدالله منقول است که پیامبر اکرم فرمودند: تا زمانی که یکی از اهل بیت من رهبری و فرمانروایی عرب را به عهده نگیرد. دنیا به پایان نمی رسد، نام او با نام من مطابقت دارد و در برخی از روایات آمده است که نام پدرش با نام پدرم یکی خواهد بود که قبلاً گذشت.

۲- عن ابي سعيد الخدري رضی الله عنه قال قال رسول الله المهدي مني اجلي الجبهة اقني الأنف^۲

^۱ ترمذی باب ما جاء في المهدي ص ۳۲۴

حضرت ابو سعید خدری بیان داشته که آنحضرت فرمودند :
 مهدی از من است پیشانیش گشاده و بینی اش از بالا قدری
 بلند و وسط آن کمی پایین و پهن است .

۳- عن ابن عباس قال قال رسول الله ﷺ ملك الارض
 اربعة مؤمنان و كافران فالمؤمنان ذوالقرنین و سليمان
 و الكافران نمرود و بخت نصر و سيملكها خامس من
 اهل بيتي .

حضرت ابن عباس رضی الله عنه از رسول الله نقل کرده است که
 فرمودند : چهار شخص بوده اند که فرمانروای و مالک سراسر
 روی زمین شده اند ، که از آن چهار شخص دو مؤمن و دو
 کافر هستند . از مؤمنین ذوالقرنین و سلیمان هستند و از کافران
 نمرود و بخت نصر هستند . پنجمین فرمانروای روی زمین یک
 شخص از اهل بیت من خواهد بود ، (یعنی حضرت مهدی) .

بخشی از رساله توفیق الودودی تحقیق

مهدی موعود (مولانا محمد عمر سربازی)

الجواب باسم ملهم الصواب و به استعین .
آنچه از تحقیق مهدی موعود نزد علماء اهل سنت و جماعت
قاطبه صحیح و ثابت است تحریر زیر است :

۱- حلیه و نسب و تولد و مهاجر و محل ظهور او
حضرت ، ایشان از سادات ، صحیح النسب ، کریم الطریفین و
بقول محقق از جانب پدر حسنی و از جانب مادر حسینی است.^۱
نامش و اسم پدر و مادرش با اسم و اسم والدین حضور اکرم
موافق اند . چنانچه در احادیث بطور واضح بیان شده است .

^۱ فی بذل المجهود شرح ابی داوود ص ۱۹۳ ج ۱۰ ، و مظاهر و اشعه ص ۲ الطرائف
الطرائف ص ۱۲۶ از محدث کبیر شیخ علی المتقی استاد شیخ عبدالحق محدث دهلوی

محل تولدش در مدینه منوره و محل ظهورش مکه مکرمه
 و محل مهاجرتش شام است و محل مرگش هم شام است.^۲
 و در شانه او علامتی باشد مانند نشان ختم نبوت، که بر کتف
 حضور اکرم بوده، چهره اش ستاره درخشان و پیشانی اش گشاده
 و بینی مبارکش دراز می باشد و در میان دندانهایش فرجه می
 باشد و جمالش عربی یعنی گندم گون و چشم او اسرائیلی
 یعنی دراز و پهنادار می باشد و همچنان بر کتف دست راست
 او خالی باشد و زبانش مختصر لکنتی دارد و ریش او انبوه
 باشد و چشمش قدری سرمه ای باشد و عمر ظهورش سال
 چهل و او باشد.

۲- کراماتیکه مخصوص اوست.

^۲ اخرج (ك) ایضا عن بن ابی طالب قال المهدی مولده بالمدينة من اهل بیتی صلی الله
 علیه و اسمه اسم نبی و مهاجرة بیت المقدس كث اللحية اكحل براق الثایا فی وجهه
 خال، فی كتفه علامة... الحاوی فی الفتاوی ج ۲ ص ۲۳۲-۲۳۳

یکی آنست که چون علامتی بر صدق دعوای او بطلبند اشاره بر پرنده می کند و پرنده آمده بر دست راست وی بنشیند و چون شاخی خشک در زمین بنشانند فی الحال سبز می گردد. و هر قلعه و حصاریکه بخواهند فتح کنند همین که تکبیر بگویند دیوارها خود بخود می افتد و بر سر او سایه بانی می باشد، فرشته ای ندا می کند که این مهدی آخر زمان است با او بیعت کنید و سر لشکر او حضرت جبرئیل و پشت سر او حضرت میکائیل و سه هزار فرشته برای مدد او متلازم باشند. و در زمان او گوسفندان با گرگان بچرند و کودکان با مار و کژدم بازی خواهند کرد. و زمین تمام دفینه های خود مثل زر و نقره بیرون می اندازد و در زمین برکت پیدا می شود که یک کیلو، هفتصد کیلو ثمر می دهد و مردمان چنان ثروتمند گردند که صدقات و زکات هم قبول نمی کنند.

۳- نشانیهای لازم و موقوف بر ظهور مهدی علیه السلام، که جلوتر

حتماً باید در دنیا ظهور کنند و تا اینها ظهور نکنند و برای هر

کس روشن نشوند هر فردی که از هر طبقه ای باشد و دعوی مهدویت کند دعوی او کذب و دروغ شمرده می شود و او را از همان کذابها باید دانست. که حضور اکرم ﷺ جلوتر از ظهور مهدی حق، به آنها اشاره فرموده است و تا حال هفتاد و چهار شخص آمده است. و چند دیگر هم امکان آمدن دارد، ماها انتظار چند دیگر تا حال داریم. بنده اگر چه نه از اهل عرفانم و نه از اهل الهام نه اهل کشفم و نه اهل فراست، فقط یکنفر مدعی اسلام ساده ام و از وجدان خود می گویم که دعوی مهدویت و ظهور مهدی باین زودی و سرعت قبل الوقت و بی موقع و از توهمات و شطحیات و از فساد متخلیه و استیلاء مالیخولیاست هر مسلمان ساده از مدعیان این امر جلوتر از ظاهر شدن علامات ظهور که صادق المصدق خبر داده است بر حذر باید بود.

علامات اینها هستند:

اوّل : اینکه سیدی بی گناه هاشمی میان جحر الاسود و مقام
 ابراهیم کشته شود . دوم : اینکه پیش از ظهور او امیری باشد
 بنام سفیان در شام و از اولاد ابوسفیان ، برای طلب مهدی
 لشکری عظیم بجانب مکه می فرستد چون در بیداء (جحفه)
 می رسند شکار زمین شده در زمین فرو میروند فقط دو، سه
 نفر سلام می مانند که یکی برای سفیانی خبر ببرد . دوم خبر
 خوش بری مهدی برساند و مردم بدست مهدی بیعت می کنند
 و به جنگ سفیانی بروند و او را ذبح بکند . دیگر روستائی که
 بنام جر سفیان باشد . نزد غوطه شام خسف گردد . و در ماه
 رمضان مبارک آن سال شب اول خسوف ماه و پانزدهم
 خسوف آفتاب و بروایتی در پانزدهم هم خسوف ماه یعنی ماه
 یعنی دوبار خسوف باشد و در مدینه منوره در همان سال
 جلوتر از مهدی کشت و خونی بزرگ در مقام حره شریفه ،
 احجار الزیت رو دهد که آن میدان غرق خون گردد و پادشاه
 شام با پادشاه مصر هم بجنگد که اوّل بسیاری از دوم را اسیر

کند . و هم در حیات مهدی قبل از ظهور او مردی با پرچمهای سیاه لشکری عظیم از خراسان برای اعانت مهدی روانه گردد و نیز گروهی از مسلمانان تبریز به مددش می روند و نیز جلوتر با فرزندی از فرزندان حضرت علی که علوی است بیعت کنند و او از اینکه اهل بیعت نیست کشته شود ، و در همان سال تاریکی در عالم پیدا شود پس بعد از یک سال یا میانش ظهور امام مهدی در دهم محرم واضح و لائح گردد طرائف الظرائف از ص ۲۷، ۲۸، ج ۱

اینست قول جمهور علماء که ، حضرت مهدی به همین وضع و نشانیها می آید و در بذل می نویسد چونکه مهدی متولد مدینه است . فانهم يعرفون حسبه و نسبه و صلاحه ج ۱۷ ص

عیسی عیسی ، مهدی الطاهر نیست

برخی از علماء اهل سنت معتقد هستند که حضرت عیسی همان حضرت مهدی است که به آن اشاره شده است منجمله علامه ابن حجر عسقلانی شیخ الحدیث و عالم وارسته می فرمایند که در حدیثی آمده « لا مَهْدِي الا عِيسَى بن مَرْيَمَ »^۱ یعنی نیست هیچ مهدی مگر عیسی بن مریم . از ظاهر حدیث معلوم می شود که مهدی و عیسی هر دو یک شخص هستند .
 اولاً : اکثریت قریب باتفاق علماء حدیث این حدیث را ضعیف و غیر مستند می دانند . اصل حدیث با این عبارت نقل شده است : قال الحافظ العسقلانی

قال ابو الحسن الخسعي الا لَدِي فِي مَنَاقِبِ الْإِمَامِ الشَّافِي رَح تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ بِأَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنَّ عِيسَى يُصَلِّي خَلْفَهُ ذَكَرَ ذَلِكَ رَدًّا لِلْحَدِيثِ الَّذِي أَخْرَجَهُ ابْنُ مَاجَه عَنْ أَنَسٍ وَ فِيهِ لَا مَهْدِيَّ الا عِيسَى^۲

^۱ فتح الباری ج ۶ ، ص ۳۵۸

ثانیا: این حدیث خلاف احادیث صحیح می باشد، زیرا از احادیث صحیح چون روز روشن و ثابت است که حضرت عیسی و حضرت مهدی علیهما السلام دو شخص جداگانه هستند.

اگر حدیث فوق را برای مدت کوتاهی صحیح و خالی از ضعف بدانیم در آنصورت معنی حدیث چنین می شود که در آن وقت و زمان هیچ کس بهتر و بزرگتر از حضرت عیسی بن مریم علیه السلام هدایت یافته نمی شود.

زیرا حضرت عیسی نبی مرسل می باشد و حضرت مهدی علیه السلام خلیفه راشد است و نبی نمی باشد بدیهی است که هدایت غیر نبی نمی تواند از هدایت نبی کاملتر و بهتر باشد، برای اینکه نبی معصوم از خطا است و عصمت مخصوص انبیاء الهی می باشد در حالیکه اولیاء محفوظ می شوند. همانطوری که در مورد حضرت علی رضی الله عنه در حدیث آمده است «لافتی الاّ علی» هیچ جوانی در شجاعت با حضرت علی رضی الله عنه برابر نیست

، معنی جمله فوق این نیست که هیچ جوانی دیگر در دنیا وجود ندارد. بنابراین در حدیث مورد بحث منظور این است که هیچ مهدی و هدایت یافته ای در عصمت و فضیلت و علو منزلت با حضرت عیسی بن مریم برابر نیست.^۱

قال المناوی رح : أَخْبَارُ الْمَهْدِيِّ لَا يُعَارِضُهَا خَبَرٌ لِمَا مَهْدِيٍّ إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ لِأَنَّ الْمُرَادَ بِهِ كَمَا قَالَ الْفَرَطِيُّ لِامَهْدِيِّ كَامِلًا مَعْصُومًا إِلَّا عَيْسَى^۲ وَ قَالَ الشَّيْخُ السُّيُوطِيُّ رَح فِي الْعُرْفِ الْوَرْدِيِّ ج ۲ ، ص ۸۲ مِنْ الْحَاوِي - قَالَ الْفَرَطِيُّ رَح وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ قَوْلُهُ وَ لَا مَهْدِيٍّ إِلَّا عَيْسَى أَي لَا مَهْدِيٍّ كَامِلًا مَعْصُومًا إِلَّا عَيْسَى . قَالَ وَ عَلِي هَذَا تَجْتَمِعُ الْإِحَادِيثُ وَ يَرْفَعُ التَّعَارُضُ وَ قَالَ ابْنُ كَثِيرٍ رَح هَذَا الْحَدِيثُ فِيمَا يَظْهَرُ لِي بِبَدَايِ الرَّأْيِ مُخَالَفًا لِلْإِحَادِيثِ الْوَارِدَةِ فِي إِثْبَاتِ مَهْدِيٍّ غَيْرِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ وَ عِنْدَ التَّامُّلِ لَا يُنَافِيهَا بَلْ يَكُونُ الْمُرَادُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ حَقُّ الْمَهْدِيِّ هُوَ عَيْسَى وَ لَا يَنْفِي ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ غَيْرُهُ مَهْدِيًّا أَيْضًا - انْتَهَى

^۱ العرف الوردی فی اخبار المهدی ج ۲ ص ۸۵

^۲ فیض القدير، ج ۶، ص ۲۷۹

ثالثاً: پیامبر در حدیث دیگری صراحتاً می فرمایند: مهدی مرد صالحی است ایشان در مسجد جامع دمشق برای اقامه نماز صبح بر مصلی می ایستد، که ناگهان حضرت عیسی علیه السلام از مناره شرقی آن نزول کرده؛ با دیدن او خود را از مصلی کنار می کشد و به او می فرماید: ای پیامبر خدا شما اقامت بفرمایید. حضرت عیسی در حالیکه دست مبارکش را بین دو شانه حضرت مهدی می گذارند و می فرمایند خیر. فقط خود شما امامت دهید، زیرا اقامه این نماز برای شما گفته شده است سپس حضرت مهدی اقامه نماز می کنند و حضرت عیسی به او اقتدا می نمایند تا روشن شود که بعنوان رسول نازل نشده است، بلکه بعنوان تابع و مجدد در امت محمدیه آمده اند.^۳

^۳ عن ابي امامة قال خطبنا رسول الله و ذكر الحديث و في حديثه قال: المهدي رجل صالح فحينما امامهم قد تقدم يصلي بهم الصبح انزل عليهم عيسى ابن مريم الصبح فرجع ذلك الامام ينكص

رابعاً: حضرت عیسیٰ بمنزله امیر و حضرت مهدی بمنزله وزیر ایشان است و تمام کارها را با مشوره یکدیگر انجام می دهند. پنجم: از احادیث متواتر دیگری نیز این ثابت شد که ابتدا حضرت مهدی ظهور نموده و روی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آن حضرت عیسیٰ علیه السلام نازل می شود^۴ و شیوه رفتار و حکومت حضرت مهدی را ادامه می دهند. بنابراین از موارد فوق آشکار می شود که حضرت عیسیٰ علیه السلام و حضرت مهدی دو شخص جداگانه از هم می باشند.

يَمْشِي الْقَهْقُورِي لِيَتَقَدَّمَ عَيْسَى يَدُهُ بَيْنَ كَتْفَيْهِ عَمَّ يَقُولُ لَهُ تَقَدَّمَ فَصَلَّ
فَأَنْهَا أَقِيمَتْ فَيَصِلِي بِهِمْ أَمَامَهُمْ

^۴ الاعلام بحکم عیسیٰ ع من الحاروی ج ۲، ص ۱۶۲

مقام حضرت مهدی علیه السلام

از نظر همه علما مقام و منزلت وی در میان امت محمدیه بعد از حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه و خلفاء راشدین است. از میان امت محمدیه تنها محمد بن سیرین در این مورد گرفتار شک و تردید شده که آیا مقام و رتبه حضرت مهدی با حضرت ابوبکر و حضرت عمر (رضی الله عنهما) برابر است یا از آنها بالاتر است^۱.

علامه جلال الدین سیوطی رح می فرماید:

فالأحادیث الصحیحة علی أن ابابکر و عمر أفضل الخلق بعد النبیین و المرسلین

از احادیث صحیح و اجماع امت ثابت است که بعد از انبیاء و رسل علیهم السلام مقام و منزلت حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر فاروق قرار دارند^۲.

^۱ شرح عقیده سفاریه، ج ۲، ص ۸۱ (نقل از عصر ظهور)

^۲ العرف الوردی، ج ۲ ص ۷۷ من الحاوی

احوال قیامت و علامات آن :

(علامه اشرفعلی تهانوی)

رسول الله (ص) تمام علامات کوچک قیامت را در احادیث خود بیان فرموده است ، در حدیثی آمده که در قرب قیامت مردم ، مال خدا را ملک خود می فهمند و زکوه را چیزی سنگین محسوس می کنند ، امانت را مال خود می پندارند ، مرد تابع زن می گردد . بیچه نا فرمان مادرش می گردد ، پدر را بیگانه و دوست را خودمانی می شمارد ، و بخاطر کسب دنیا علم دین خوانده می شود ، افرادی به سرداری و حکومت می رسند که از همه پائین ترند ، یعنی افرادی بدنژاد ، بخیل و بد خلق ، پست ها به افرادی محول می گردند که اهلیت ندارند ، و مردم ظالمان را از خوف و ترسشان تعظیم می کنند ، و شراب علناً نوشیده می شود . زنان رقاصه در میدان می آیند و ساز و طبل و سرود به کثرت رواج می یابد ، و مردم ،

بزرگان گذشته را بدویی راه می گویند ، آنحضرت ﷺ فرمود :
 آنوقت منتظر عذابهای گوناگونی باشید که باد سرخی وزیدن
 گیرد و برخی از مردم در زمین فرو روند ، و از آسمان سنگ
 بارد و صورتها عوض شوند یعنی شکل انسان به شکل خنزیر و
 سگ مبدل گردد ، و مشکلات زیادی از هر طرف مانند
 مرواریدهایی که در رشته نخی مرتب شوند ، و آن نخ کنده
 شده سرازیر گردند .

و از علامات قیامت این است که عالم دین کم باشد و دروغ
 گفتن هنر پنداشته شود ، تصوّر امانت از دلها بیرون رود ، و
 حیا و شرم مفقود گردد ، و کفار از هر طرف غلبه یابند و
 راههای دروغ باز گردند ، چون اینهمه علامات ظاهر گردند ،
 آنوقت تمام کشورها زیر سلطه نصاری در خواهند آمد ، و در
 خطه شام چنین شخصی از اولاد ابوسفیان نمودار می گردد
 که بسیاری از سادات را به قتل می رساند ، و دستورش در شام
 و مصر نافذ می گردد ، در این وقت پادشاه مسلمان روم با

گروهی از نصاری در گیر می شود و سر انجام با برخی از آنها صلح می کند ، دشمن بر قسطنطنیه حمله برده و آن را زیر سلطه خود ، در می آورد ، پادشاه از آنجا بیرون آمده به شام می رود ، سپس با گروهی از نصاری همراه شده و در میان آنها و دشمن جنگ سنگینی رخ می دهد ، و سرانجام فتح و پیروزی شامل حال مسلمانان می گردد ، بعداً یکی از نصاری می گوید : اینهمه فتح و پیروزی به برکت صلیب نصیب ما گردید و مسلمانی می گوید : این فتح به برکت اسلام حاصل گردید ، این حرفها در میانشان ادامه پیدا می کند تا اینکه هر یکی افراد خود را صدا می زند و بعداً درگیری شدیدی رخ می دهد و در این درگیری ، پادشاه اسلام شهید می شود و منطقه شام زیر سلطه نصاری در می آید ، و سرانجام این گروه نصاری با دشمن صلح می کند و مسلمانان رهسپار مدینه می گردند و سلطنت نصاری تا خیبر ، گسترده می گردد .

مسلمانان به جستجوی امام مهدی می پردازند تا از این مصیبات نجات یابند، آنوقت امام مهدی در مدینه می باشد و از ترس اینکه ممکن است مردم مرا حاکم خود قرار دهند از مدینه بیرون آمده و راهی مکه می گردد، و اولیاء آن زمان به جستجوی امام مهدی می پردازند و برخی به دروغ هم خود را امام مهدی معرفی می کنند. بھر حال امام مهدی به طواف خانه کعبه مشغول می شود، هنگامیکه در میان حجر الاسود و مقام ابراهیم می رسد برخی از افراد نیک و صالح او را شناخته و در حالی که هیچ راضی نمی باشد او را حاکم خود قرار داده و بدست او بیعت می کنند و در این هنگام این صدا از آسمان می آید که تمام افراد موجود آن را می شنوند: این خلیفه خدا، امام مهدی است، با ظهور ایشان، علامات زیادی از قیامت نمودار می گردد.

چون مسلمانان مدینه، از ظهور مهدی اطلاع می یابند فوراً به مکه آمده و بدست ایشان بیعت می کنند و ابدال و اولیاء شام،

عراق و یمن همه به خدمت وی حضور می یابند. و گروههای زیادی از عرب به او می پیوندند، چون حرف ظهور مهدی در میان مسلمانان مشهور می گردد شخصی از خراسان همراه با گروهی بسیار بزرگ جهت نصرت و یاری ایشان روانه می گردد، و پیش رو این لشکر شخصی بنام منصور می باشد. و در وسط راه بسیاری از بی دینان را قلع و قمع می کند. قبلاً گذشت که شخصی از نسل ابوسفیان جهت قتل سادات اقدام می کند، چون نامبرده از ظهور مهدی با خبر می شود و این هم برایش مشخص گردد که ایشان از سادات هستند، لشکری جهت شهادت ایشان گسیل می دارد، هنگامیکه این لشکر به جنگلی در میان مکه و مدینه می رسد، در دامنه کوهی قرار می گیرد، فوراً زمین دهان باز کرده و همه را فرو می برد فقط دو نفر نجات می یابد که یکی امام مهدی را از جریان خبر می دهد و دیگری پیش همان کسی که اینها را فرستاده بود رفته و او را از وقوع حادثه اطلاع می دهد.

نصاری از هر طرف سرباز جنگی جمع آوری نموده و جهت جنگیدن با مسلمانان آماده گیری می گیرند، در آن لشکر، آن روز هشتاد پرچم و همراه با هر پرچم دوزاده هزار نفر می باشد و تمام لشکر نهصد و شصت هزار نفر می باشد، آنوقت حضرت مهدی از مکه به مدینه می رود و آنجا قبر رسول الله ﷺ را زیارت نموده و راهی شام می گردد، چون به دمشق می رسد لشکر نصاری جهت مقابله بیرون می آید، لشکر امام مهدی به سه گروه تقسیم می گردد، یک گروه پا به فرار می نهد، و گروه دوم جام شهادت می نوشد و گروه سوم به فتح و پیروزی نایل می گردد و جریان شهادت و فتح، از این قرار می باشد که امام مهدی جهت جنگیدن لشکری آماده می کند، بسیاری از مسلمانان سوگند خورده می گویند: تا فتح و پیروزی خواهیم جنگید، بسیاری از مسلمانان به شهادت رسیده و تعداد کمی بوقت شام با امام مهدی بر می گردند، روز دوّم هم سوگند خورده وارد میدان می گردند که تا

آخرین دم با آنها خواهیم جنگید، در این روز هم بسیاری از آنها جام شهادت نوشیده و بدون فتح بر می گردند، روز سوم هم همینطور می باشد، روز چهارم که آمارشان بسیار کم می باشد باز هم جهت مقابله وارد میدان نبرد می گردند که سرانجام پس از زد و خورد، فتح و پیروزی شامل حال مسلمانان می گردد، و کفار باشکست فاحش مواجه می گردند، آنوقت امام مهدی به امور مملکت می پردازد و به هر طرف، لشکر گسیل می دارد و خودش جهت فتح قسطنطنیه می شتابد چون به کنار دریای روم می رسد هفتاد هزار نفر از بنو اسحاق را بر کشتی سوار نموده و جهت فتح آن شهر آماده گیری می گیرد. چون ایشان به کنار شهر می رسند صدای الله اکبر، الله اکبر را بلند می کنند که بر اثر برکت آن، دیواری که بین آنها و شهر حایل می باشد بر زمین می افتد و مسلمانان وارد شهر شده و بر آنها حمله می برند و کفار را به قتل می

رسانند و در مورد امور مملکتی بخوبی می اندیشند ، و از وقت بیعت تا این فتح ، مدت شش یا هفت سال می گذرد .
 امام مهدی در امور مملکتی و مردمی مصروف می باشد که این حرف به دروغ مشهور می گردد : شما اینجا و دجال در شام دارد خاندان شما را به فتنه و فساد می کشد ؟ به شنیدن این حرف ، امام رهسپار شام می گردد ، و جهت تحقیق این حرف ، پنج یا نه سوار را جلوتر گسیل می دارد ، یکی از آنها آمده و اطلاع می دهد که آنچه در مورد دجال گفته شده همه دروغ محض اند ، و تا کنون دجال بیرون نیامده است ، امام مهدی به این حرف مطمئن می باشد ، و آهسته آهسته شهرها را بازدید و بررسی می نماید تا اینکه به سرزمین شام می رسد ، و تا چند روزی همانجا توقف می نماید ، هنوز امام مهدی در شام می باشد دجال که از قوم یهود است ، از میان سرزمین شام و عراق بیرون می آید ، و دعوی نبوت می کند ، سپس به اصفهان می رود و از آنجا هفتاد هزار یهودی با او همراه می

شود ، آنوقت دعوی خدایی می کند ، در بسیاری از ممالک اسلامی دور زده و سرانجام به یمن می رسد ، و هر کجا می رود بسیاری از بد دینها با او همراه می شوند تا اینکه نزدیک مکه آمده و توقف می کند و فرشتگان مانع دخول او در مکه می باشند ، سپس از آنجا برگشته و راه مدینه را پیش می گیرد اما فرشتگان مانع دخول وی در آنجا هم می باشند ، و در این مدت سه زلزله در مدینه بوقوع می پیوندند که افراد ضعیف الایمان بر اثر ترس از مدینه بیرون رفته و به دجال می پیوندند و آنوقت عالمی بلند پایه در مدینه می باشد که با دجال به بحث و گفتگو می پردازد ، دجال ناراحت شده و او را بقتل می رساند ، سپس او را زنده کرده و می پرسد اکنون به خدایی من اعتراف داری ؟ وی در پاسخ می فرماید حالا یقین من راسخ تر گردید که تو دجال هستی ، سپس می خواهد او را بزند البته قادر نمی باشد ، ضربش بر او تأثیری نمی گذارد ، سرانجام از آنجا راهی سرزمین شام می گردد ، چون به دمشق

نزدیک می شود ، امام مهدی قبلاً آنجا موجود و به آماده گیری جهت نبرد با او مشغول می باشد .

بهر حال وقت عصر می رسد و مؤذن اذان می گوید و مردم جهت برگزاری نماز آماده می شوند که ناگاه حضرت عیسی علیه السلام دست بر شانۀ دو فرشته گذاشته و از آسمان فرود می آید و بر مناره شرقی مسجد جامع دمشق قرار می گیرد ، سپس مردم نردبان گذاشته و ایشان پائین تشریف می آورند ، آنوقت امام مهدی تمام تجهیزات جنگی را به ایشان می سپارند که خودشان هر طوری که صلاح بینند برنامه ریزی کنند ، اما ایشان از پذیرفتن این مسئولیت انکار نموده و می فرمایند : من فقط جهت قتل دجال آمده ام صبح روز بعد ، امام مهدی فرماندهی لشکر را بعهدۀ خود گرفته و حضرت عیسی علیه السلام اسبی و نیزه ای طلب نموده و دجال را دنبال می کند و مسلمانان هم بر لشکر دجال حمله برده و سخت درگیر خواهند شد و در نفس حضرت عیسی علیه السلام چنان تأثیری

گذاشته می شود که تا چشم کار می کند اثر نفشش همانجا می رسد ، و به هر کافری که هوای نفشش برسد فوراً هلاک خواهد شد ، چون چشم دجال به حضرت عیسی علیه السلام می افتد فوراً پا به فرار می نهد ، ایشان او را دنبال نموده تا اینکه به نقطه «لد» می رسد ، در آن مقام او را با نیزه ای که در دستش می باشد به قتل می رسانند و مسلمانان به کشتن لشکر دجال می پردازند .

بعد از پایان جنگ ، حضرت عیسی علیه السلام به شهرهای مختلفی مسافرت نموده و به افرادی که دجال آنها را تهدید نموده ، تسلی می دهد ، و به فضل و کرم خداوند متعال هیچ کافری باقی نخواهد ماند ، سپس حضرت امام مهدی وفات می کند و تمام امور ، بدست حضرت عیسی علیه السلام قرار می گیرند ، بعداً یاجوج و ماجوج بیرون می آیند و جای سکونت آنها انتهای شمال که کلاً عمران و آبادی به پایان می رسد ، می باشد ، بر اثر شدت سرما ، دریای آنجا منجمد است که کشتی نمی

تواند آنجا راه رود ، حضرت عیسی علیه السلام مطابق با دستور الهی مسلمانان را برداشته و بر کوه طور می برد ، یاجوج و ماجوج بیرون آمده و بسیار مزاحمت ایجاد می کنند ، سرانجام خداوند متعال آنها را از بین می برد ، آنوقت حضرت عیسی علیه السلام از کوه طور پائین آمده و بعد از چهل سال رحلت می کند و در روضه رسول الله صلی الله علیه و آله بخاک سپرده می شود .

سپس بر جای او شخصی از یمن بنام « جهجاج » که از قبیله قحطان می باشد می نشیند نامبرده بسیار متدین می باشد و با انصاف حکومت می کند ، بعد از او پادشاهان زیادی حکومت کرده و سرانجام رفته رفته افراد نیک کمتر و افراد بد رو به افزایش است ، آنوقت دودی آسمان را فرا گرفته و بر زمین می بارد که بر اثر آن مسلمانان را زکام گرفته و کفار بیهوش می گردند ، بعد از چهل روز آسمان صاف شده و آن ماه ، عید قربان می باشد . بعد از دهم آن ماه ، شبی چنان طولانی می گردد که مسافران بر اثر آن پریشان می گردند و کودکان

خواب بیدار می گردند . و چهارپایان جهت رفتن به چُرا به صدا در می آیند ، و لیکن از صبح خبری نمی باشد ، تا اینکه تمام مردم از ترس و پریشانی بی قرار می باشند ، چون آن شب به اندازه سه شب طولانی گردد ، آنوقت خورشید بصورت کسوف از طرف مغرب بیرون می آید ، و ایمان و توبه هیچ کس قبول نمی گردد ، چون خورشید نزدیک به زوال برسد ، مجدداً به طرف مغرب بر می گردد و غروب می کند ، سپس حسب سابق از جانب مشرق طلوع کرده و درخشان می باشد ، بعد از چند روزی بر اثر زلزله ای کوه صفا شق شده و حیوانی بسیار عجیب و غریب بیرون می آید و با مردم صحبت می کند و با سرعت فوق العاده تمام روی زمین را می گردد ، و با عصای حضرت موسی خطی بر پیشانی شخص مسلمان می کشد که بر اثر آن ، تمام چهره اش روشن و منور می گردد و انگشتی حضرت سلیمان علیه السلام را بر بینی یا گردن شخص کافر می زند که بر اثر آن تمام چهره اش

فوراً سیاه و تاریک می‌گردد. بعد از انجام این عمل، فوراً ناپدید می‌گردد.

سپس از طرف جنوب نسیمی بسیار جالب می‌وزد و مقداری از آن هوا داخل بغل هر مسلمان می‌رود که بر اثر آن، در می‌گذرد، بعداً حبشیهای کافر، بر تمام دنیا سلطه یافته و خانه کعبه را شهید می‌کنند و رفتن به زیارت خانه خدا ممنوع اعلام می‌گردد، و قرآن شریف از دلها و کاغذها محو می‌گردد. و ترس از خدا و شرم از مردم، مرتفع می‌گردد؛ و چنین شخصی بر روی زمین باقی نمی‌ماند که اسم خدا را بگیرد. آنوقت، قیمت اجناس در سرزمین شام بسیار ارزان می‌باشد، مردم از هر طرف بحالت پیاده و سواره بر شتران راهی شام می‌گردند، فوراً باقیمانده، توسط آتشی بطرف شام سوق داده می‌شوند، و حکمت اینکه همه مردم در سرزمین شام یکجا جمع می‌گردند این است که در روز قیامت تمام مخلوق آنجا جمع خواهند گشت، سپس آن آتش ناپدید می‌گردد و

آنوقت دنیا، در عروج ترقی خود قرار می گیرد؛ دنیا سه یا چهار سالی به همین حالت باقی مانده و سرانجام روز جمعه، دهم محرم، بوقت صبح که مردم به کارهای خود مشغول می باشند بطور ناگهانی صور دمیده می شود و آن هم به این صورت که در آغاز صدایی ضعیف پدید آمده و کم کم صدایش چنان شدید می گردد که از ترس آن، تمام مردم می میرند. زمین و آسمان تکه پاره می شوند و دنیا، فنا می گردد^۱، از زمانیکه آفتاب از مغرب بیرون می آید تا دمیدن صور، مدت یکصد و بیست سال طول می کشد. و بعد از دمیدن صور، عالم قیامت آغاز می گردد.

^۱ برخی برآنند که عرش، کرسی، لوح، قلم، بهشت، صور، دوزخ و ارواح از فنا شدن مستثنی هستند و بی بعضی می گویند ایشان هم تا مدتی کوتاه معدوم می گردند.

قیام حضرت مهدی علیه السلام

علامه عاشق الهی

وقتی که مسلمانان از هر طرف محاصره می شوند و حکومت ایشان فقط از مدینه منوره تا خیبر باقی می ماند، پس ایشان در جستجوی حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود. حضرت مهدی آنوقت در مدینه منوره خواهد بود، بفرض اینکه از بار سنگین امامت، خود را نجات دهد از مدینه عازم مکه می شود و بعضی از اهل مکه او را خواهند شناخت بخدمت او حاضر شده او را از منزل بیرون آورده و اجباراً به خلافت او بیعت خواهند کرد در حالی که او به خلافت و امامت مایل نخواهند بود، این بیعت در میان مقام ابراهیم و حجر الاسود واقع خواهد شد (غالباً وقتی که حضرت مهدی مشغول به طواف می شود در این حال اجباراً با او بیعت می کنند). پس هرگاه خبر خلافت حضرت مهدی مشهور گردد، یک لشکر از ملک شام بقصد جنگ با او حرکت خواهد کرد، چون این لشکر به محل «بیداء» که در میان مکه و مدینه است می رسد همه را

زمین فرو خواهد برد. از شنیدن خبر این واقعه ابدال^۱ شام و پرهیزگاران عراق بخدمت حضرت مهدی حاضر خواهند شد. یک شخص قریشی النسل از قبیله «بنی کلب» لشکری را به مقابله حضرت مهدی می فرستد، لشکر مهدی با آن قبیله جنگ کرده غالب خواهد شد این روایت از مشکوٰۃ بحواله «ابو داوود» نقل شده است در شروع آن این هم آمده است که پس از موت خلیفه^۲ مردم دچار اختلاف می شوند که کدام یک را خلیفه انتخاب کنند. حضرت مهدی از ترس اینکه مبادا او را خلیفه نمایند به مکه مکرّمه تشریف خواهد برد.^۲

^۱ ابدال جمع بدل است، ابدال آن اولیاء الله را گویند که بدل آنها در دنیا پیدا شده و پیدا خواهد شد از ابتدای اسلام تا امروز دنیا از وجود ایشان خالی نبوده است. هرگاه یکی از ایشان از دنیا رفته دیگری جانشین او حتماً آمده است و این تبادل، آن را ابدال می گویند.

^۲ علامات قیامت - علامه عاشق الهی بلند شهری - مترجم غلام محمد

حالات دنیا در زمان حضرت مهدی علیه السلام

رسول الله صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: که یک مصیبت بزرگی بر این امت خواهد آمد و مردم راه نجات را از ظلم نخواهند یافت، در آنوقت خداوند تعالی از نسل و خاندان من شخصی را پیدا خواهد کرد که به وسیله او زمین را از عدل و انصاف پر خواهد کرد، چنانکه قبل از اسلام به ظلم و تعدی پر شده بود، یعنی قبل از وی نام و نشانی از عدل و انصاف در دنیا باقی نمی ماند ظلم همه جا را فرا گرفته ناگاه با آمدن او تمام دنیا از عدل و انصاف پر می شود.

سپس ارشاد فرمود: که از عدل او اهل زمین و آسمان همه راضی خواهند شد و نتیجه عدل و انصاف آن بجایی می رسد که باران رحمت از آسمان سرازیر شده و از زمین هر نوع میوه و غله جات و سبزیجات می روید؛ حتی مواد غذایی آنقدر زیاد و ارزان می شود که زندگان، زنده شدن مردگان را تمنا

خواهند کرد که ای کاش دوستان عزیز و خویشاوندان ما هم زنده می بودند تا این زمانه عیش و خوشی را می دیدند.^۱

در زمان حضرت مهدی مال آنقدر زیاد می شود که اگر کسی از ایشان مالی را طلب نماید با هر دو کف دست آنقدر در چادر او می ریزد که خود آن شخص حمل آنرا نتواند.^۲

در روایت ابو داود آمده است که حضرت مهدی به طریقه و سنت نبی اکرم عمل خواهد کرد و در زمان او بر تمام روی زمین اسلام حکمفرما خواهد بود، تا مدت هفت سال حکومت خواهد کرد و بعد از آن وفات یافته مسلمانان بر جنازه او نماز خواهند خواند.

جنگ حضرت مهدی با کفار و خروج دجال

حضرت مهدی چندین بار با کفار جنگ خواهد کرد که ذکر بعضی از آن در روایت ابوداود گذشت در آن روایت این هم تصریح شده بود، که مردم بنی لکب بقصد جنگ مهدی آمده،

^۱ مشکوه، نقل از علامات قیامت ص ۷۸

^۲ ترمذی، علامات قیامت ص ۷۹

مغلوب خواهند شد ، و لشکری دیگر بقصد جنگ او آمده در میان مکه و مدینه زمین ، آنها را در خود فرو خواهد برد ؛ علاوه بر این در روایت دیگری ذکر حضرت مهدی نیامده است البته حضرت شاه رفیع الدین این جنگ را نیز به زمان مهدی علیه السلام منسوب کرده است .

در این باره می نویسد که حضرت مهدی علیه السلام از مکه به مدینه تشریف می برد ، روضه اطهر سید دو عالم را زیارت کرده ، عازم ملک شام می گردد ، رفته رفته به شهر دمشق می رسد که از طریق دیگر لشکر عیسویها به مقابله می آیند .

حضرت مهدی لشکر خود را آماده جنگ می کند . سه روز جنگ کرده ، در روز چهارم مسلمانان را فتح میسر می شود ؛ ذکر این لشکرکشی در حدیث بشرح زیر آمده است .

قبل از وقوع قیامت چنین زمانی حتماً خواهد آمد که نه میراث (یعنی ترکه میت) تقسیم می شود و نه بر مال غنیمت کسی را خوشی خواهد شد ، سپس آن را تشریح کرده فرمودند که : (یک دشمن قوی به قصد جنگ با مسلمانان شام جمع خواهند شد و

مسلمانان نیز جمع شده یک جماعتی را از خود انتخاب کرده بمقابله دشمن می فرستند ، با ایشان طی می کنند که بمیرند یا پیروز شوند ؛ چنانکه تمام آنروز جنگ می شود تا اینکه شب می آید و جنگ قطع می شود و هر دو گروه از میدان جنگ بر می گردند نه آنان را غلبه می شود و نه اینان و لشکر هر دو گروه که در این روز جنگ کرده بودند از بین می روند باز روز دوم مسلمانان جماعتی دیگر انتخاب می کنند و بمقابله دشمن می فرستند ، به همین شرط که بمیرند یا پیروز برگردند ، در این شب جنگ خواهد شد کسی را فتح میسر نخواهد بود و هر دو گروه جنگجو از بین خواهند رفت ؛ باز در روز سوم مسلمانان یک جماعتی را انتخاب کرده به میدان جنگ می فرستند و با ایشان هم شرط می گذارند که بمیرند یا غالب شوند ، بطوری که تا موقع شام جنگ ادامه می یابد و هر دو گروه در این روز هم برابر بر می گردند ، نه اینان غالب می شوند نه آنان ، هر دو گروه جنگجو در این روز هم از بین خواهند رفت و در روز چهارم تمام مسلمانان باقی مانده ، جمع شده آماده جنگ می شوند که قبل از این ، چنین جنگی دیده نشده است .

اندازه این جنگ را از آنجا می توان دریافت که ، اگر پرنده ای بخواهد از بالای نعلهای مقتولین بگذرد از سبب بدبویی یا طول مسافت نعلها ، افتاده آن پرنده سقوط کرده می میرد ؛ اما نمی تواند از اول تا آخر آنها رد شود . کسانی که در آن جنگ شریک باشند افراد اقوام خود را شمارش می کنند، از هر صد نفر یک نفر از میدان جنگ باقی خواهد ماند .

بعد از آن ارشاد فرمود : شما بگوئید که در این حال چگونه می توان به مال غنیمت ، دل خوش کرد و یا چگونه می توان خواهان تقسیم میراث شد . سپس ارشاد فرمود که بعد از فارغ شدن از جنگ مشغول آمارگیری می شوند که ناگهان خبر آنچنان جنگی را می شنوند که از جنگ اول خیلی سخت تر خواهد بود و هنوز به این جنگ دوم متوجه نمی شوند که خبری دیگر معلوم می شود که دجال بیرون آمده ، می خواهد فرزندان ما را در فتنه مبتلا گرداند از شنیدن این خبر آن مال و سرمایه ای که در دست دارند همه را رها کرده بطرف خانه های خود روانه می شوند ده نفر سواره را برای خبرگیری جلوتر از خود خواهد فرستاد

تا خبر صحیح دجال را بیاورند ، آن حضرت علیه السلام راجع به این سواره ها ارشاد فرمودند : من نام آنها را با نام پدران ایشان و رنگ اسبهای ایشان را می شناسم و این سواران در آن روز از ساکنان روی زمین ، سواران با عزتی خواهند بود ^۱ . بعد از آن حضرت شاه صاحب می نویسد . که در این جنگ عیسوی ها بقدری کشته خواهند شد که در ذهن باقی ماندگان فکر حکومت باقی نخواهد ماند ، افتان و خیزان فرار خواهند کرد ، مسلمانان آنها را تعقیب کرده ، هزارها کس را به هلاکت می رسانند . حضرت شاه صاحب همچنین می نویسد که :

بعد از آن حضرت مهدی علیه السلام مشغول به رتق و فتق مسایل و انتظام شهرهای اسلامی می شود و صدها فوج و لشکر بی شمار به هر طرف روان می سازد . از این کارها فرصت و فراغت یافته جهت فتح شهر قسطنطنیه حرکت می کند . (فتح این شهر از علامات قیامت است) وقتی که به کنار دریای روم می رسند ، هفتاد هزار

^۱ مسلم ، نگاد علامات قیامت

نفر را از بنو اسحاق سوار کشتیها کرده، حکم می کنند تا به شهر مذکور حمله نمایند. در حدیث شریف ذکر جنگ کردن هفتاد هزار نفر از « بنو اسحاق » آمده است لیکن این تصریح نشده است که جنگ ایشان برای فتح قسطنطنیه خواهد بود، بلکه این را فرموده است که یک چنین شهری است که از یک طرف به خشکی و طرف دیگر آن دریا است. هفتاد هزار نفر از بنو اسحاق با اهالی آن شهر جنگ خواهند کرد. صاحب «مراقات» می نویسد که این شهر در روم واقع است که بعضی آن را قسطنطنیه گفته اند. امام نووی نیز مثل حضرت شاه صاحب گفته است که مراد از این شهر، قسطنطنیه می باشد چنانچه می فرماید: « و هذه المدینه هی قسطنطنیه » مراد از این شهر قسطنطنیه است.^۱

^۱ بنو اسحاق به کسانی گفته می شود که از نسل اسحاق در ملک شام هستند. امام نووی از قاضی عیاض نقل کرده است اگر در کتاب صحیح مسلم ذکر از بنو اسحاق شده منظور همان بنی اسماعیل است، علامات

در این روایت تماماً اینطور آمده است که یک مرتبه رسول الله به حضرات صحابه گفت که: «آیا شما چنین شهری را می دانید که یک جانب آن خشکی و جانب دیگر آن دریاست؟ صحابه عرض کردند: بلیه، می دانیم، ارشاد فرمود: «قیامت قائم نخواهد شد تا اینکه هفتاد هزار نفر از «بنو اسحاق» به آن شهر حمله آورده جنگ نمایند.

وقتی که این اشخاص قریب آن شهر به قصد جنگ قیام می کنند جنگ ایشان به شمشیر و تیر اندازی نخواهد بود بلکه به محض امداد غیبی خدا آن را فتح خواهند کرد. صورتش آن خواهد بود که ایشان فریاد «لا اله الا الله و الله اکبر» را بلند می کنند دیوار یک طرف آن سقوط می کند.^۱ باز دو مرتبه «لا اله الا الله و الله اکبر» را بلند می سازند برای دخول شهر راه خواهند یافت در شهر داخل شده آن را فتح خواهند کرد و مال غنیمت خواهند که در همین

^۱ راوی می گوید که غالباً حضرت ابوهریره بیان فرموده است که اول،

دیواری که طرف دریاست سقوط می کند. علامات قیامت

حال ناگاه این خبر را می شنوند که دجال بیرون آمده است از شنیدن این آواز همه چیز را رها کرده بر می گردند.^۱

در روایت دیگر مسلم که از حضرت ابوهریره ذکر فتح قسطنطنیه و خروج دجال اینطور آمده است که آن حضرت ارشاد فرمود که: «قیامت قائم نخواهد شد تا اینکه عیسویها روم به محل «اعماق» یا «دوابق» قیام نمایند و یک لشکر از مدینه بقصد جنگ با ایشان بیرون می آید.^۲ که در آن وقت فضیلت ایشان بر تمام اهل زمین بیشتر خواهد. وقتیکه لشکر از دو طرف در مقابل یکدیگر قرار می گیرند. عیسویها می گویند: که ما را با آن مسلمانانی که افراد ما را سیر کرده اند، تنها بگذارید. مسلمانان جواب می دهند به خدا

^۱ مسلم شریف، علامات قیامت

^۲ امام نووی می نویسد که «اعماق» و «دوابق» نام دو مقام است نزدیک شهر حلب و آنچه فرموده که یک لشکر از مدینه در مقابله عیسایی ها صف آرا می شود مراد از این مدینه الرسول (ص) نیست بلکه شهر حلب مراد است صاحب منظر حق قول بعضی علما را نقل کرده است که مراد از مدینه شهر دمشق است و مراد گرفتن مدینه الرسول قول ضعیف است.

قسم ما هرگز این طور نخواهیم کرد که ساکت باشیم و شما را بگذاریم تا با آنها بجنگید ، این را گفته با عیسویها جنگ را شروع خواهند کرد . در این جنگ یک سوم از لشکر مسلمانان شکست می خورند یعنی یک سوم لشکر ، خود را از جنگ نجات داده گوشه گیری می کنند .

خدا توبه‌ی آنها را هرگز قبول نخواهد کرد و یک سوم دیگر از لشکر شهید می شوند که نزد خداوند افضل شهداء خواهند بود و ثلث سوم بر عیسویها غلبه یافته ، فتح خواهند کرد که ایشان هرگز به فتنه مبتلا نخواهند شد و همین ثلث سوم لشکر است که قسطنطنیه را فتح می کند و بعد از فتح کردن آن مشغول به تقسیم مال غنیمت می شوند و شمشیرهای خود را بر درخت زیتون آویزان می نمایند که ناگهان شیطان به آواز بلند صدا می کند که بدون شک مسیح (دجال) در میان فرزندان شما آمده و رسیده است ، در صورتی که این خبر دروغ خواهد بود ، سپس لشکر

مسمانان بطرف شام متوجه می شوند. ^۱ وقتی که به شام می رسند آن وقت دجال ظهور می کند. در همین اثنا که آماده جنگ می شوند و صفها را درست می کنند، وقت نماز فرا می رسد، برای نماز جماعت می ایستند که در این حال حضرت عیسی ابن مریم از آسمان پائین می آید و امام جماعت نماز مسلمین می شود. دشمن خدا - دجال - به محض اینکه حضرت عیسی را ببیند، مانند گداختن نمک در آب، می گدازد. حتی اگر حضرت عیسی او را قتل نکرده، همچنان رهایش کند او خود به خود هلاک خواهد شد، لیکن حضرت عیسی علیه السلام با دست خود او را بقتل می رساند و نیزه خون آلود خود را به مردم نشان می دهد.

وفات حضرت مهدی و امیر شدن حضرت عیسی علیه السلام

در یک روایت ابوداؤد آمده است که حضرت مهدی بعد از خلیفه شدن هفت سال زنده مانده بعد از آن وفات خواهد کرد

^۱ ظاهر آنست که مراد از شام بیت المقدس است چنانکه در بعضی روایات تصریح آن آمده است «مظاهر حق»، علامات قیامت

در « مشکوه شریف » به روایت حضرت ابوسعید رضی الله عنه بطور شک آمده است که « **یعیش فی ذلک سبع سنین او ثمان سنین او تسع سنین** »^۱

ترجمه : مهدی در آن حال که همه جا پر از عدل و انصاف است . هفت ، هشت و یا نه سال خواهد ماند . ممکن است که راوی فراموش کرده ، به سبب صحیح یاد نبودن آن بطور شک آن را نقل کرده است .

حضرت شاه آن دو روایت را چنین جمع فرموده است که در زمان حکومت او ، در هفت سال اطمینان و آرامش خواهد بود و سال هشتم به جنگ و جدال می گذرد و سال نهم در بیعت حضرت عیسی علیه السلام می گذرد و بعد از آن وفات خواهد یافت و حضرت عیسی علیه السلام برایشان نماز جنازه خواهد خواند . باز حضرت شاه می نویسد که بعد از آن انجام تمام امور به

^۱ مستدرک ، علامات قیامت

عهدہ حضرت عیسیٰ خواهد بود و زمانہ بہ بہترین حالتی
خواہد شد .

تمت بالخیر

ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم وتب
علينا انك انت التواب الرحيم

التماس دعا